

# آیا می‌توان گونه‌ای دیگر به رابطه انسان با مولی نگریست؟

۱ تأملی کوتاه در باب ضرورت فقه حکومتی و تاثیر مفهوم پرستش بر تفقه

محمد مهدی انببائی

اگر «بیان» به ما نرسید، عقوبتی در کار هست؟ ... در پایان نیز با تبیین محدوده و وجوب طاعت و وجود یا عدم عقاب بلا بیان، مؤمن و معذرت می‌سازد و در کنار آن‌ها از استحباب و کراهت نیز سخن می‌گوید. البته مجزی نیز هست اما آیا کافی هم می‌باشد؟ آیا نمی‌توان به گونه‌ای دیگر به رابطه‌ی عبد و مولی نگریست؟ و اگر چنین باشد آن‌گاه فقه، چه هیتی پیدا می‌کند؟ مسلماً اگر تفقه صرفاً برای تأمین از عقوبت باشد، نوعی از فقه را نتیجه می‌دهد. آن هم فقهی که در دایره‌ی احکام تأمین کننده‌ی رضایت او تنفس می‌کند و عمدتاً به «عمل» مکلف - و نه «قلب» و «فکر» او - توجه دارد. حال آن‌که می‌توان به گونه‌ای دیگر به انسان و رابطه‌ی او با مولی نیز نگریست.

اساساً هدایت انبیاء (ع)، نه برای صرف ابلاغ اوامر الزامیه مولی، بلکه برای به دست گرفتن سرپرستی انسان در مسیر پرستش بوده است تا تمامی شئون او به صورت هماهنگ در مسیر عبودیت قرار گیرد. بنابراین موضوع پرستش، تمامی عرصه‌های حیات انسان است و ما می‌بایست در عرصه‌ی زندگی فردی و اجتماعی، خداوند را پرستش کنیم. هر چند رویکرد موجود، عرصه‌ی اجتماعی را عرصه‌ی پرستش می‌داند، اما قائل به نوعی تفویض مطلق از سوی خداوند در این عرصه می‌باشد که عنان اختیار را به عقل عملی انسان‌ها و انباده و دایره‌ی «مباحات» را به یک محدوده‌ی وسیع کشانده است. البته فرقی نمی‌کند که ما این عرصه را اصلاً جای پرستش ندانیم و یا آن را عرصه‌ای رها و تفویض شده بدانیم؛ چرا که در هر دو حالت، دین به صورت «دین حداقلی» خواهد بود.

بنابراین می‌بینیم که با توسعه‌ی مفهوم «طاعت و بندگی»، هم فقه و هم تفقه گسترش می‌یابد. قطعاً این هدف، دارای مناسک و مراحل است که تبیین آن‌ها، تفقه خاص خود را می‌طلبد که با تفقه پیشین متفاوت می‌باشد. بنابراین می‌توان به گونه‌ای دیگر نیز به مفهوم پرستش و به تبع، دایره‌ی تفقه که متأثر از این مفهوم است، نگریست.

البته تمامی این مطالب قابل بررسی است. اما علت بیان آن‌ها، توجه به فرهنگ حاکم بر تفقه بود. ما می‌خواستیم ببینیم آیا اصولاً پیش فرضی بر تفقه حاکم است یا خیر؟ آیا می‌توان نگاهی دیگر به رابطه‌ی عبد و مولی و جریان بندگی کرد و آن را در امر تفقه دخیل دانست یا خیر؟ ■

پی نوشت:

۱. پژوهش‌گر دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی، موضوعات و مسائل جدیدی را پیش روی جامعه‌ی اسلامی قرار داده است. پیدایش این سنخ از موضوعات برآمده از نظام و ساختار حکومت دینی، ارتقاء و توسعه در تفقه را ضروری می‌سازد. البته از منظرهای دیگری نظیر «زبان‌شناسی» و «موضوع‌شناسی» نیز می‌توان به اثبات ضرورت دستیابی به فقه حکومتی پرداخت. در موضوع‌شناسی با مبنا قرار گرفتن هر یک از این سطوح موضوع‌شناسی - که به تبع موضوعات عینی از سه سطح «خرد»، کلان و توسعه» برخوردار است - سطح تفاهم با شارع و به تبع آن قواعد تفاهم با شارع تفاوت خواهد کرد، لذا تکامل منطق استناد به شارع جهت دستیابی به نظام احکام شارع ضرورت می‌یابد. ضرورت به کارگیری ظرفیت ادبیات متکامل در هر عصری جهت فهم مقاصد شارع، منظر دیگری است که ارتقاء سطح تفاهم با شارع را ایجاب می‌نماید. از طرفی شأن سرپرستی و هدایت تاریخی شارع ایجاب می‌کند که کلام و ادبیات او قادر به تفاهم با جمیع سطوح ادبیات در طول تاریخ باشد و از طرف دیگر توسعه‌ی روابط اجتماعی، تکامل و ارتقاء ادبیات اجتماعی را ایجاب می‌نماید؛ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که زبان شارع قابلیت تفاهم با ادبیات متکامل امروزی را داراست و بلکه اساساً به کارگیری ظرفیت ادبیات متکامل در هر عصری جهت فهم مقاصد شارع، نه تنها ممکن است، بلکه ضرورت دارد؛ چرا که اگر بخواهیم هدایت و سرپرستی اجتماعی را به دست شرع بسپاریم، لازم می‌آید نظام مقاصد شرع استنباط شود و این امر ممکن نیست جز با ارتقاء سطح تفاهم با شارع. عامل مشترک و محوری در هر یک از ضرورت‌های پیشین در دستیابی به فقه حکومتی، ضرورت پرستش تام، متناسب با اقتضائات اجتماعی و تاریخی است.

همواره مفهوم خاصی از «طاعت و پرستش»، بر «تفقه» حاکم بوده است، اما آیا تفقه موجود برای تمامیت پرستش کافی است و می‌تواند پرستش را در تمامی مدارج قاعده‌مند کند یا این‌که پرستش خداوند متعال صرفاً در یک محدوده از تفقه موجود می‌تواند قاعده‌مند شود که آن چیزی نیست جز این‌که انسان می‌تواند در آن محدوده، از عقوبت برهد.

فقه موجود، قواعدی را برای تأمین از عقوبت عباد ارائه می‌دهد. طبعاً همین جو، بر علم اصول نیز حاکم است؛ لذا جای تعجب نیست اگر در اصول موجود از این امور بحث می‌شود که طاعت مولی در چه محدوده‌ای واجب است؟ آیا

دو نگاه

زبان شارع قابلیت تفاهم با ادبیات متکامل امروزی را داراست و بلکه اساساً به کارگیری ظرفیت ادبیات متکامل در هر عصری جهت فهم مقاصد شارع، نه تنها ممکن است، بلکه ضرورت دارد